

آمریکا چه طرحی برای تنگه هرمز و بنادر جنوبی ایران دارد؟

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

ارتش آمریکا بامداد یکشنبه ۲۸ تیر-۱۹ یولی، اعلام کرد هشتمین شب حملات هوایی خود علیه ایران را به پایان رسانده است. این حملات مشخصاً نیروهای سپاه پاسداران را هدف قرار داد که آمریکا آن‌ها را مسئول کشته شدن ۲ نظامی آمریکایی در اردن می‌داند.

در بیانیه فرماندهی مرکزی آمریکا «سنتکام» آمده است ارتش آمریکا اهداف نظامی ایران، از جمله «نیروهای سپاه پاسداران که در ۱۷ ژوئیه حملاتی علیه نیروهای آمریکایی در اردن انجام دادند»، را بمباران کرد.

خبرگزاری‌های ایرانی «مهر» و «تسنیم» از وقوع حملات هوایی آمریکا به شهر سیریک، واقع در ساحل تنگه هرمز، خبر دادند. خبرگزاری رسمی «ایرنا» نیز اعلام کرد حمله آمریکا شهر حاجی‌آباد در استان هرمزگان را هدف قرار داد.

در مقابل، نیروهای مسلح ایران یکشنبه اعلام کردند در واکنش به حملات آمریکا، با استفاده از پهپادهای انتحاری، ۲ پایگاه آمریکایی در کویت را هدف قرار دادند. در بیانیه‌ای که تلویزیون رسمی ایران منتشر کرد، آمده است که ایران حملات گسترده‌ای با پهپادهای انتحاری، انجام داده و انبار مهمات ارتش آمریکا در پایگاه الادیع، همچنین سامانه راداری «پاتریوت» و رادار نظارت هوایی در پایگاه هوایی علی السالم در کویت را هدف قرار داده است.

از یازده روز قبل، یعنی از ۱۶ تیر ۱۴۰۵، مرحله تازه‌ای از جنگ و تجاوز نیروهای آمریکایی به ایران آغاز شد. اما طی یک هفته اخیر، آمریکا هرشب به ایران حمله کرده است. ایران نیز متحدان آمریکا در منطقه -به‌ویژه بحرین و کویت- را هدف گرفته از جمله تاسیسات آب و برق کویت خسارات سنگین دیده‌اند دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، حملات جمهوری اسلامی ایران به زیرساخت‌های غیرنظامی در بحرین، اردن و کویت را محکوم کرد و آن‌ها را «جنایت جنگی» خواند.

بمباران‌های سنگین آمریکا طی هفت روز گذشته، بیش از همه به مردم هرمزگان لطمه زده است. شبکه‌های آب‌رسانی، برق، حمل و نقل و ارتباطات در این استان دچار مشکل شده. خبرگزاری دولتی ایرنا می‌نویسد: «دامنه حملات به زیرساخت‌هایی رسیده که اگرچه در زندگی روزمره کمتر دیده می‌شوند، اما اختلال در عملکرد هریک از آن‌ها می‌تواند زندگی هزاران نفر را تحت تأثیر قرار دهد.»

با این حال احمد مرادی، نماینده بندرعباس با اشاره به بمباران‌ها، ادعا کرد: «مردم ما الحمدلله با وجود گرمای ۵۰ درجه، همچنان تجمعات شبانه خود را ادامه می‌دهند و مقاومت مردم جنوب زیانزد است. اگر به گذشته نگاه کنیم، اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس نیز از افتخارات نیاکان ما بوده است...» به عقیده این نماینده مجلس «دشمن در برابر نیروهای مسلح ما کم آورده و اکنون می‌خواهد از این طریق به مردم فشار وارد کند.»

احمد نفیسی، معاون سیاسی و امنیتی استان، از مردم خواسته از تردد غیرضروری خودداری کنند و «با حفظ آرامش، اخبار را تنها از منابع رسمی دنبال کنند.» به گفته احد قوبدل، مدیر کل ارتباطات و فناوری اطلاعات هرمزگان، مشکل اختلال تلفن و اینترنت همراه در شمال استان فعلاً برطرف شده است. او اندکی قبل گفته بود که در پی حملات آمریکا، «خطوط انتقال ترافیک و پهنای باند بخش‌هایی از بندرعباس و حاجی‌آباد قطع شده.» به گفته او «با قطع بیش از ۱۱۶ دکل مخابراتی، تلفن‌های ثابت، همراه و اینترنت در شمال بندرعباس و استان قطع شده بود.»

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان گفت: «در پی حمله دشمن، ایستگاه پمپاژ برداشت آب خام از دریا و همچنین ترانس برق مربوط به مجتمع آب‌شیرین‌کن روستای بونجی، هدف قرار گرفته و به طور کامل تخریب شده است.»

بدین ترتیب، آب آشامیدنی ۲۰ روستای منطقه غرب جاسک با جمعیتی در حدود ۱۰ هزار نفر به‌طور کامل قطع شده است. به گفته مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب، در حال حاضر اولویت، تامین اضطراری آب ساکنان با «روش‌های جایگزین و سیار» است.

روز شنبه ۲۷ تیر، یک دلار آمریکا در بازار تهران به ۱۹۵ هزار تومان رسید. قیمت یورو نیز از ۲۲۰ هزار تومان فراتر رفت. بدین ترتیب در سال جاری میلادی (۲۰۲۶)، یعنی طی هفت ماه و نیم، دلار در بازار ایران بیش از ۴۰ درصد گران شده است.

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه، طی یک نشست خبری هشدار داد که «هر صدایی که موجب تضعیف قوه مجریه، قوه مقننه یا قوه قضائیه شود، صدای دشمن است و اگر با تذکر اصلاح نشود، دستگاه قضایی به وظیفه قانونی خود در این زمینه عمل خواهد کرد، چراکه حفظ انسجام ملی از خطوط قرمز ماست و نباید به آن خدشه‌ای وارد شود.»

جهانگیر با محکوم کردن «تجاوز» آمریکا گفت: «در ضمن، جنوب کشور هیچ تفاوتی با سایر نقاط ایران ندارد و هرگونه تجاوز به هر نقطه از این سرزمین، به معنای حمله به کل کشور است.»

در روزهای اخیر، بسیاری از ساکنان استان‌های جنوبی تذکر داده‌اند که انکار تا زمانی که به تهران حمله نشود، حکومت از حمله به جنوب کشور چندان ناراحت نیست. فاطمه مهاجرانی، سخن‌گوی دولت نیز به همین نوع اعتراض‌ها واکنش نشان داده و گفته است: «دولت میان هیچ نقطه‌ای از ایران تفاوتی قائل نیست.

برای دولت، تهران، هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان، خوزستان یا هر استان دیگر، به یک اندازه ایران هستند و امنیت و جان مردم در همه این مناطق اولویت دارد.»

فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد در پی حملات به چند پل و تونل در استان هرمزگان، شماری از مسیرهای ارتباطی این استان به طور موقت بسته شده و رفت و آمد ممکن نیست.

به گفته مقامات جمهوری اسلامی، یک مسیر فرعی فقط برای خودروهای سواری از بندرعباس به سمت فارس و کرمان فعال شده، اما رفت و آمد کامیون‌های سنگین امکان‌پذیر نیست.

با از سرگیری درگیری‌ها، توافق اولیه برای پایان دادن به جنگ نیز فروپاشید و نبرد دو طرف بر سر تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انتقال نفت جهان، ادامه دارد. این که بدانیم در کاخ سفید ایالات متحده و فرماندهی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران چه می‌گذرد و چه طرح‌ها و برنامه‌ها و اهداف جنگی دارند کاری سخت و بهتر بگوییم امکان‌پذیر نیست.

اما همه شواهد، حاکی از این است که دور سوم حملات و تهاجم آمریکا به ایران با دو دور سابق متفاوت است و تفاوت اصلی هم در این است که بخش عمده حملات هوایی و موشکی و پهپادی آمریکا به ایران به جنوب کشور و عمدتاً بنادر ساحلی دریای عمان و خلیج فارس متمرکز است و شاید یکی از اهدافش قطع شاهرگ صادرات و واردات ایران و تسریع فروپاشی اقتصادی ایران است.

جمهوری اسلامی هم در مقابل همان طرح و اهداف قبلی را دارد و عمدتاً با موشک و پهپاد به کشورهای عربی منطقه همچون کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی، عربستان و اردن حمله می‌کند. جمهوری اسلامی با این حملات، باز هم بر این تصور است که کشورهای عربی را وادار سازد تا پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشورها برچیده شود. به علاوه با ادامه بسته ماندن تنگه هرمز اقتصادی جهانی را تضعیف کند و کشورهای مختلف آمریکا را تحت فشار قرار دهند تا حملات و تهاجم خود به ایران را قطع کند.

دونالد ترامپ پیش‌تر روز چهارشنبه گذشته در حاشیه نشست سران ناتو در آنکارا اعلام این که توافق و تفاهم‌نامه موجود با ایران برای پایان دادن به درگیری‌ها دیگر اعتباری ندارد و «تمام شده است»، با لحنی تند، رهبران ایران را «افرادی بیمار» خطاب کرد.

او در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره این که آیا تفاهم‌نامه امضاء شده با ایران برای پایان دادن به درگیری‌ها ملغی شده است یا خیر، گفت: «این سؤال بسیار جالبی است. از نظر من، این توافق دیگر تمام شده است. من اصلاً نمی‌خواهم با آن‌ها سروکار داشته باشم. آن‌ها تفاله‌اند؛ آدم‌هایی بیمارند که توسط افرادی بیمار هم رهبری می‌شوند. آدم‌های شرور و خشن هستند.»

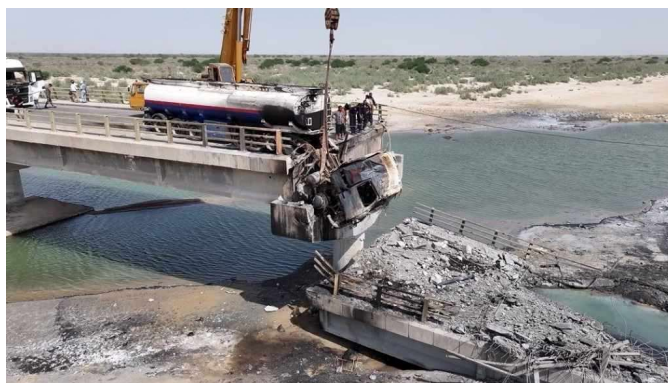
محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و سرپرست هیات ایرانی هم در مذاکره با آمریکا صبح پنج‌شنبه در پی حملات آمریکا به ایران، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آمریکا هنوز یاد نگرفته است که زورگویی و بدعهدی دیگر بی‌هزینه نیست. شفاف بگویم: بزنید، می‌خورید.»

قالیباف افزود: «دست و پای بیهوده نزنید که بیش‌تر فرو خواهید رفت: تنگه هرمز، فقط با «ترتیبات ایرانی» باز می‌شود نه با تهدیدات آمریکایی.»

در چنین روندی، سنتکام، فرماندهی مرکزی آمریکا تصاویری از موج سوم حملات بامداد ۲۱ تیر به اهدافی در ایران و سپاه پاسداران و ارتش ایران هم تصاویری از حملات متقابل‌شان به اهدافی در کشورهای منطقه منتشر کردند.

سپاه پاسداران هم با تأیید بر بسته شدن تنگه هرمز اعلام کرده هرگونه عبور کشتی‌ها باید از مسیر تعیین‌شده ایران انجام شود و در صورت «تجاوز»، پاسخ قاطع داده خواهد شد. هم‌چنین سپاه از حمله به پایگاه‌های آمریکا و متحدانش در منطقه، به‌عنوان مرحله اول پاسخ خبر داده است. تهران می‌گوید کنترل تردد در آبراه هرمز را در دست دارد.

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان است و هرگونه تنش در این منطقه، می‌تواند بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار دهد.



چندین پل در استان هرمزگان توسط جنگنده‌های آمریکا بمباران شد

در پی کشته شدن دو نظامی آمریکایی در حملات ایران به کشور اردن، ایالات متحده در فاصله شامگاه شنبه ۲۸ تیر تا بامداد یکشنبه ۲۹ تیر ماه، موج تازه‌ای از حملات هوایی علیه اهدافی در ایران را آغاز کرد. ارتش آمریکا اعلام کرد هدف از این حملات، «تنبیه و مجازات» عاملان کشته شدن نظامیان آمریکایی بوده است. هم‌زمان، تهران اعلام کرد که به دو پایگاه نظامی آمریکا در کویت حمله کرده است.

هم‌زمان با تشدید درگیری‌ها و تبادل آتش میان آمریکا و جمهوری اسلامی، و در اوج گرمای سوزان در تابستان، تاسیسات حیاتی آب و انرژی در منطقه مورد هدف قرار گرفته‌اند. حملات دوباره به زیرساخت‌های حیاتی انرژی نشانه‌ای از مرحله‌ای جدید و خطرناک‌تر در این درگیری‌ها است.

در ایران، خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران، به نقل از مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای گزارش داد که پس از حمله آمریکا به یک مجتمع آب‌شیرین‌کن در روستای بونجی، در نزدیکی جاسک، حدود ۱۰ هزار نفر در ۲۰ روستا روز شنبه ۲۷ تیر با اختلال در تامین آب مواجه شدند.

مقامات جمهوری اسلامی ایران، همچنین جمع‌ه تأیید کرد که زیرساخت‌های برق در جنوب ایران هدف حمله قرار گرفته‌اند. وزارت نیرو از مردم استان‌های جنوبی خواسته به دلیل «گرمای شدید» در مصرف برق صرفه‌جویی کنند.

فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا، سنتکام، در بیانیه‌های خود، اشاره‌ای به حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی نمی‌کند. با این حال، در این حملات پل‌هایی در بندرعباس و استان هرمزگان و دست کم ۱۱۶ دکل مخابراتی از مدار خارج شده‌اند.

اداره کل ارتباطات استان هرمزگان اعلام کرد در پی حملات جمعه شب آمریکا به خطوط انتقال ارتباطات و پهنای باند در شهرهای بندرعباس و حاجی‌آباد، ۱۱۶ دکل مخابراتی از مدار خارج شده‌اند.

به گفته اداره کل ارتباطات استان هرمزگان در حال حاضر شبکه‌های تلفن ثابت، تلفن همراه و اینترنت در برخی از مناطق شمالی این استان با قطعی گسترده مواجه هستند و تلاش‌ها برای ترمیم زیرساخت‌ها و برقراری مجدد ارتباطات همچنان در جریان است.

وزارت بهداشت ایران نیز گزارش داده که در جریان حملات آمریکا، ۵۰ نفر کشته شده‌اند.

در مقابل، جمهوری اسلامی نیز که عمدتاً متحدان آمریکا در منطقه را هدف قرار داده، دست کم دو بار به تاسیسات برق و آب‌شیرین‌کن در کویت حمله کرده است. وزارت برق و آب کویت شنبه از مردم خواست در ساعات اوج مصرف برق صرفه‌جویی کنند. این درخواست پس از دومین حمله به نیروگاه‌ها و تاسیسات آب‌شیرین‌کن و وقوع آتش‌سوزی در این تاسیسات صادر شد.

شرکت نفت کویت نیز اعلام کرد جمهوری اسلامی یکی از تاسیسات حیاتی این شرکت را هدف قرار داده که در نتیجه آن چند نفر زخمی شده‌اند و «خسارات مادی قابل توجهی» به بار آمده است.

سرتیپ سعود العتیبی، سخنگوی وزارت دفاع کویت، شنبه گفت حملات به تاسیسات نفتی و برق این کشور «خسارات شدیدی» بر جای گذاشته است. وزارت امور خارجه کویت نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد هدف قرار دادن «زیرساخت‌های حیاتی» از سوی ایران نشان‌دهنده «رویکردی نظام‌مند و تهاجمی با هدف قرار دادن اهداف غیرنظامی» است.

به گفته وزارت امور خارجه کویت، حمله جمهوری اسلامی به یک نیروگاه تولید برق، تاسیسات آب‌شیرین‌کن، تاسیسات بخش نفت و شماری از زیرساخت‌های حیاتی، باعث آتش‌سوزی و خسارت‌های گسترده به زیرساخت‌ها، تاسیسات غیرنظامی و ساختمان‌های مسکونی شده است. وزارت امور خارجه کویت این حملات را محکوم و تأکید کرد که هدف قرار دادن مکرر زیرساخت‌های حیاتی، نقض آشکار حقوق بین‌الملل و قطع‌نامه ۲۸۱۷ شورای امنیت سازمان ملل است.

در همین حال، اکسیوس گزارش داد که برای نخستین بار در دور تازه درگیری‌ها، جمهوری اسلامی یک موشک بالستیک به عربستان سعودی شلیک کرده است. عربستان سعودی اعلام کرده که تهدیدها را خنثی کرده است.

حملات جمهوری اسلامی به کشورهای منطقه از جمله کویت، بحرین و اردن با موجی از محکومیت‌ها مواجه شده است. جاسم محمد البدیوی، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، حملات جمهوری اسلامی به زیرساخت‌ها و تاسیسات غیرنظامی در بحرین، کویت و اردن را جنایت جنگی خواند. البدیوی خواستار آن شد که این حملات فوراً در سطح بین‌المللی مورد پیگرد و عاملان آن پاسخ‌گو شوند.

وزارت امور خارجه قطر نیز که در هفته‌های اخیر بار دیگر کوشید بین تهران و واشینگتن میانجی‌گری کند، شنبه ۲۷ تیر با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد جمهوری اسلامی با هدف قرار دادن تاسیسات برق و آب‌شیرین‌کن در کویت از همه خطوط قرمز فراتر رفته و این حملات نقض آشکار قطع‌نامه ۲۸۱۷ شورای امنیت سازمان ملل است. این وزارتخانه، همچنین حملات جمهوری اسلامی به اردن، بحرین و کویت را به شدت محکوم کرد و آن را نقض آشکار حاکمیت این کشورها، حقوق بین‌الملل، منشور سازمان ملل و اصول حسن همجواری دانست.

در بیانیه وزارت امور خارجه قطر آمده است این حملات به تشدید تنش‌ها، تضعیف تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک و تهدید امنیت و ثبات منطقه منجر می‌شود. وزارت امور خارجه اردن نیز حملات جمهوری اسلامی به بحرین و تاسیسات برق و آب‌شیرین‌کن در کویت را محکوم کرد و آن را تشدید خطرناک تنش، نقض آشکار حاکمیت این کشورها، تهدیدی برای امنیت و ثبات آن‌ها و نقض حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل دانست.

وزارت امور خارجه اردن در بیانیه‌ای اعلام کرد این کشور همبستگی کامل خود را با بحرین و کویت اعلام می‌کند و از همه اقداماتی که این دو کشور برای حفاظت از حاکمیت، امنیت و شهروندان و ساکنان خود انجام دهند، حمایت می‌کند.

در همین حال کویت، بحرین و اردن شنبه نیز اعلام کردند که موشک‌های و پهپادهای شلیک‌شده از خاک ایران را رهگیری کرده‌اند. با این حال، کاظم غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، شنبه گفت: «تهران نیز همانند واشینگتن اجرای تعهدات خود در چارچوب تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را که ماه گذشته امضاء شد، متوقف خواهد کرد. او افزود: «ما دیگر این تعهدات را اجرا نمی‌کنیم و تمرکزمان بر دفاع از کشور است.»

هم‌زمان خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران، به نقل از یک مقام امنیتی جمهوری اسلامی نوشت اگر آمریکا به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران حمله کند، فرودگاه‌های دبی و ابوظبی و بنادر فجیره و جبل‌علی باید فوراً تخلیه شوند. او افزود این هشدار با هدف حفظ جان شهروندان در برابر حملات متقابل جمهوری اسلامی، صادر شده است.

مجتبی یوسفی، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، نیز در گفت‌وگویی تلویزیونی گفت اگر قرار بر هدف قرار دادن زیرساخت‌ها باشد، جمهوری اسلامی دست برتر را دارد و می‌تواند راه‌آهن و پل‌های اسرائیل را هدف قرار دهد. یوسفی گفت کشورهای خلیج فارس و اسرائیل در حوزه زیرساختی به مراتب از جمهوری اسلامی آسیب‌پذیرتر هستند.

محسن رضایی، از مشاوران ارشد نظامی خامنه‌ای هشدار داد در صورتی که حملات آمریکا در روزهای آینده ادامه یابد، تهران «عملیات تهاجمی تمام‌عیار» را از سر خواهد گرفت. علی‌اللهی، فرمانده ارشد نظامی ایران نیز هشدار داد هرگونه حمله بیش‌تر آمریکا با «پاسخی قاطع و ویرانگر» روبه‌رو خواهد شد.



در استان هرمزگان ۱۱۶ دکل مخابراتی بر اثر بمباران‌های آمریکا آسیب دید

هم‌زمان با تشدید دوباره جنگ میان آمریکا و جمهوری اسلامی، پنتاگون جنگنده‌های اف-۱۶ و اف-۳۵ و هواپیماهای سوخت‌رسان بیش‌تری به خاورمیانه اعزام می‌کند. این تحرکات نشان می‌دهد واشینگتن خود را برای ادامه یا گسترش عملیات هوایی علیه حکومت ایران آماده می‌کند.

مجله «نیروهای هوایی و فضایی» ۲۶ تیر ماه در گزارشی به نقل از افراد مطلع نوشت اف-۱۶های اسکادران جنگنده ۴۸۰ از پایگاه هوایی اسپانگدالم آلمان و اف-۳۵های بال جنگنده ۴۸ از پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در لیکن‌هیث راهی منطقه شده‌اند. هواپیماهای سوخت‌رسان نیز برای پشتیبانی از عملیات هوایی به خاورمیانه اعزام می‌شوند.

اف-۱۶های اسکادران ۴۸۰ تنها چند هفته پیش به آلمان بازگشته بودند، اما اکنون جنگنده‌های «وایلد ویزل» این یگان بار دیگر به منطقه اعزام می‌شوند. مأموریت تخصصی این جنگنده‌ها شناسایی و سرکوب سامانه‌های پدافند هوایی دشمن است.

دولت دونالد ترامپ پس از فروپاشی آتش‌بس با جمهوری اسلامی بر سر اختلافات مربوط به تنگه هرمز، دامنه کارزار هوایی علیه حکومت ایران را افزایش داده است. نیروهای آمریکایی طی هفت روز پیایی اهداف نظامی و زیرساختی، از جمله چند پل، را در داخل ایران هدف قرار داده‌اند. سنتکام جمعه ۲۶ تیر اعلام کرد این حملات برای «ادامه تضعیف توانمندی‌های نظامی ایران» انجام می‌شوند.

مجله نیروهای هوایی و فضایی، نوشته است ورود دوباره جنگنده‌های آمریکایی می‌تواند نشانه احتمال گسترش جنگ باشد؛ در شرایطی که دولت ترامپ می‌کوشد با افزایش فشار نظامی، جمهوری اسلامی را به پذیرش توافقی تازه وادار کند.

ژنرال کنت اس. ویلزباخ، رییس ستاد نیروی هوایی آمریکا، ۲۶ تیر در گفت‌وگو با مجله نیروهای هوایی و فضایی تأیید کرد که عملیات همچنان ادامه دارد، اما از ارائه جزئیات درباره اقدامات، تجهیزات و محل استقرار نیروها خودداری کرد.

ویلزباخ گفت نیروهای هوایی آمریکا با وجود قرار داشتن زیر آتش، به مأموریت‌های خود ادامه داده‌اند. به گفته او، حملات به پایگاه‌ها مانع استفاده آمریکا از توان هوایی نشده و نیروها پس از هر حمله، خسارات پایگاه‌ها را ترمیم کرده و عملیات را از سر گرفته‌اند.

الجزیره قطر در مقاله‌ای نوشته است: «نیروهای ایالات متحده در روزهای اخیر به جزایر قشم، کیش و ابوموسی ایران حمله کرده‌اند. این حملات بخشی از کارزار فزاینده‌ای است که شهرهای بندری سواحل جنوبی ایران از جمله بندرعباس را نیز دربرگرفته است.

این حملات، پرسشی را که از هفته‌های نخست جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران مطرح بوده، دوباره زنده کرده است: آیا واشینگتن آماده می‌شود تا خاک ایران را تصرف کند؟

در ماه مارس، یک ماه پس از شروع جنگ، دو مقام ناشناس آمریکایی به روزنامه واشینگتن پست گفتند که وزارت دفاع ایالات متحده خود را برای یورش به جزیره خارک، که حدود ۹۰ درصد صادرات نفت خام ایران از آن عبور می‌کند، آماده می‌کند. این اظهارات، گمانه‌زنی‌ها درباره عملیات زمینی را دامن زد. بحث تصرف پس از امضای تفاهم‌نامه بین دو طرف در ۱۷ ژوئن فروکش کرد. اما این سناریو پس از آن که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز دوشنبه در مصاحبه با شبکه فاکس نیز از رد کردن آن خودداری کرد، دوباره روی میز بازگشت. ترامپ در پاسخ به سئوالی درباره چنین عملیاتی گفت: «نمی‌توانم این را به شما بگویم، چون اگر بگویم، احمقانه خواهد بود.»

آندریاس کریگ، استاد علوم امنیتی در کالج کینگز لندن، به الجزیره گفت که در «معنای محدود تاکتیکی»، آمریکا توانایی نظامی تصرف جزایر ایران را دارد. به گفته او، با داشتن قدرت هوایی، دریایی و آبی-خاکی کافی - و تمایل به پذیرش تشدید تنش‌هایی که به دنبال خواهد آمد- آمریکا می‌تواند یک جزیره کوچک ایرانی را تصرف کند. تخمین زده می‌شود که آمریکا حدود ۵۰,۰۰۰ سرباز در سراسر خاورمیانه مستقر دارد، از جمله پرسنل در پایگاه‌های بزرگ دائمی و پایگاه‌های کوچک جلوتر.

نادر هاشمی، استاد سیاست خاورمیانه در دانشگاه جرج تاون، به الجزیره گفت که فراتر از تصرف جزایر، آمریکا توانایی نظامی و لجستیکی اشغال آن‌ها را نیز دارد، زیرا هم‌چنان «قدرت نظامی برتر جهانی» باقی مانده است. هاشمی گفت که پرسش این است که هزینه آن چیست.

آندریاس کریگ، گفت: «تصرف موقت یک جزیره، بسیار متفاوت از نگه‌داشتن آن، تامین منابع آن و بهره‌برداری راهبردی از آن است.» او خاطرنشان کرد که قشم به‌ویژه دشوار خواهد بود، زیرا جزیره‌ای بزرگ است که درست در مقابل سرزمین اصلی ایران قرار دارد، نه یک پاسگاه منزوی.

جزایر کوچک‌تر مانند هنگام را می‌توان آسان‌تر تصرف کرد، اما هم‌چنان در برد توپخانه، پهپادها، موشک‌ها و انبوه قایق‌های کوچک ایران قرار خواهند داشت -و تصرف چندین جزیره به‌طور هم‌زمان به گفته کریگ، «به یک کارزار آبی-خاکی بزرگ تبدیل می‌شود، نه یک یورش محدود.» به گفته او، تصرف جزایر هم‌چنین جلوی اختلال ایران در تنگه هرمز را نخواهد گرفت. در عوض، پادگان‌های آمریکایی را در معرض حملات مستمر قرار می‌دهد و در عین حال روایت اشغالگر بودن آمریکا را به تهران می‌دهد.

چنین اقدامی به نیروی انسانی قابل توجهی نیاز دارد. کریگ تخمین زد که «یک عملیات محدود احتمالاً به نیروی اولیه حداقل ۵,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰ نفر شامل نیروهای رزمی، پدافند هوایی، مهندسان، تدارکات، پشتیبانی پزشکی و عناصر فرماندهی نیاز دارد.» به گفته او، اگر چندین جزیره درگیر شوند یا هدف فراتر از تصرف اولیه باشد، نیاز به نیرو می‌تواند به سرعت افزایش یابد. او گفت: «این نیروها زیر آتش مستقیم سرزمین اصلی ایران عمل می‌کنند. کشتی‌های تدارکاتی، شناورهای پیاده‌سازی و بالگردها باید از آبی عبور کنند که در معرض موشک‌ها، پهپادها، مین‌ها و توپخانه قرار دارد.»

وی افزود: «ایران نیازی به بازپس‌گیری فوری جزایر ندارد. می‌تواند به سادگی با فرسایش مداوم، آن‌ها را به مواضع پرهزینه و از لحاظ سیاسی شرم‌آور برای آمریکا تبدیل کند.» او ادامه داد: «آمریکا می‌تواند آن نیروها را تامین کند، اما انجام این کار نیازمند حفاظت دریایی مداوم، برتری هوایی و سرکوب سیستم‌های آتش ایران است. تامین منابع به مأموریت اصلی تبدیل می‌شود. آن‌چه به‌عنوان عملیاتی برای حفاظت از کشتیرانی آغاز شد، به سرعت می‌تواند به یک تعهد سرزمینی بی‌پایان تبدیل شود.»

هاشمی گفت که او «بسیار شک» دارد که آمریکا تلاش کند هر یک از جزایر جنوبی، به‌ویژه خارک را تصرف کند. به گفته او، هزینه جانی سربازان آمریکایی و واکنش منفی داخلی، به‌ویژه در میان هواداران خود ترامپ، بسیار زیاد خواهد بود؛ ریسکی سیاسی که مقایسه‌ها با جنگ عراق را به دنبال خواهد داشت. هاشمی گفت: «همه این‌ها در سطح تئوری است، نه احتمالات عملی.»



بمبافکن‌های بی-۲

روزنامه وال استریت ژورنال نیز، روز شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۵، گزارش داد هم‌زمان با تشدید درگیری‌ها میان آمریکا و جمهوری اسلامی، واشنگتن در حال اعزام جنگنده‌های بیش‌تری از جمله اف ۳۵ و اف ۱۶ و هم‌چنین هواپیماهای سوخت‌رسان به خاورمیانه است.

بر اساس این گزارش، جنگنده‌های اف ۱۶ که از پایگاه اسپانگدالم آلمان اعزام می‌شوند، توانایی هدف قرار دادن رادارهای ایران را دارند که برای شلیک موشک‌های زمین به هوا به کار گرفته می‌شوند. هم‌چنین جنگنده‌های رادارگریز اف ۳۵ نیز از پایگاه لیکنهیت در بریتانیا راهی منطقه خواهند شد. وال استریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی، نوشت جمهوری اسلامی تاکتیک‌های خود را با سامانه‌های دفاعی آمریکا تطبیق داده و از موشک‌های بالستیک استفاده می‌کند که با سرعت بسیار بالا حرکت می‌کنند و در مرحله نهایی مسیر خود نیز قابلیت مانور دارند. به گفته این مقام‌ها، توانایی جمهوری اسلامی در هدف قرار دادن تاسیسات حساس در خاورمیانه، نگرانی‌هایی را درباره احتمال دریافت اطلاعات هدف‌گیری و پشتیبانی از سوی چین یا روسیه ایجاد کرده است.

پیش‌تر نشریه آمریکایی آتلانتیک، با گفت‌وگو با مقامات دفاعی کنونی و پیشین ایالات متحده سعی کرده بود تصویری از چگونگی اقدامات احتمالی آمریکا برای نیل به هر یک از این اهداف ترسیم کند. پاسخ این مقامات بر پایه کارزارهای پیشین آمریکا و با در نظر گرفتن احتمال اقدامات تلافی‌جویانه ایران است. یک فرمانده سابق آمریکایی گفت: «مسئله گزینه‌های نظامی فقط کارهایی نیست که ما می‌توانیم انجام دهیم، بلکه مسئله محافظت از خودمان و منافع‌مان در جریان واکنش اجتناب‌ناپذیر ایران مطرح است.»

به گفته یک فرمانده نظامی آمریکایی مستقر در خاورمیانه، در جریان حملات آمریکا به ایران در ماه ژوئن که بمب‌افکن‌های بی-۲ وارد حریم هوایی ایران شدند، «هیچ‌کس آن‌ها را ردیابی نمی‌کرد.» به گفته مقامات آمریکایی، ممکن است که قابل رویت بودن این جابه‌جایی‌ها خود هدف بوده است. اگر حضور این ناوگان صرفاً به‌عنوان اهرم فشار باشد، به این معناست که در صورت حصول توافق میان ایران و آمریکا، نیروها منطقه را ترک خواهند کرد. اما چنین سناریویی بعید به نظر می‌رسد.

این تجمع نیرو یکی از بزرگ‌ترین‌ها در منطقه طی چند دهه است و با رسیدن هر هواپیما، کشتی و تجهیزات جدید، فشار بر رییس‌جمهوری برای استفاده از آن‌ها بیش‌تر می‌شود. همین «روی اقیانوس ماندن» هم هزینه خودش را دارد. ناو هواپیمابر «یواس اس جرال فورد» که از ژوئن گذشته در ماموریت است، در حال تکمیل یکی از طولانی‌ترین ماموریت‌های ناو هواپیمابر است.

یک مقام سابق دفاعی گفت: «نمی‌توانیم این نیرو را این‌قدر طولانی بیرون نگه داریم.» احتمالاً جنگنده‌های رادارگریز چون «اف-۳۵»، همراه با هواپیماهای «ای-۱۸ جی گراولر» که وظیفه جنگ الکترونیک از جمله ایجاد اختلال در رادارها را بر عهده دارند، نخستین پروازها را انجام می‌دهند و پدافند هوایی ایران را هدف قرار می‌دهند.

زیردریایی‌ها حامل شمار زیادی موشک‌های «تاماهاک» هستند و معمولاً همراه ناو هواپیمابر به منطقه اعزام می‌شوند، می‌توانند به سوی اهداف ثابت در داخل ایران موشک شلیک کنند. جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها هم می‌توانند سامانه‌های پدافند ایران را هدف قرار دهند.

اما این که چنین کارزاری چه قدر طول بکشد، به گستره اهداف بستگی دارد. باید توجه داشت که هرچه کارزار طولانی‌تر شود، خطر تلفات غیرنظامیان بیشتر می‌شود. به گفته مقامات دفاعی، هواپیماهای آمریکایی در جریان حملات ماه ژوئن حدود ۳۰ دقیقه در آسمان ایران حضور داشتند و در همین زمان بخشی از پدافند هوایی و تاسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار دادند.

اگر ایران موشکی شلیک کند، ناوشکن‌های آمریکا که در نقاط مختلف در منطقه مستقر هستند، می‌توانند با سرنگون کردن این موشک‌ها از نیروهای آمریکایی دفاع کنند. اما این که بعد از این مرحله چه رخ می‌دهد، بستگی به هدف آمریکا دارد.

برخی منابع آمریکایی به «العربیه» گفته‌اند دونالد ترامپ، رییس‌جمهوری آمریکا تهدیدهای جاری ایران را طوری با گزینه‌های نظامی پاسخ می‌دهد که هم برتری نظامی واشینگتن بر توانمندی‌های ایران را حفظ می‌کند و هم‌زمان اعمال فشار به‌منظور وادار کردن تهران به مذاکره یا پذیرش کامل مطالبات آمریکا را ادامه می‌دهد.

ایالات متحده از چند روز پیش اجرای یک عملیات دوگانه در منطقه تنگه هرمز را آغاز کرده است؛ از یک سو مواضع ایران را در مناطق نزدیک به تنگه هدف حملات خود قرار می‌دهد و از سوی دیگر، محاصره دریایی علیه کشتی‌ها مجدداً اعمال کرده است.

مقام‌های آمریکایی در گفت‌وگو با «العربیه» تأکید کردند که رئیس‌جمهوری ایالات متحده فرصت مناسبی برای مذاکره و دستیابی به نتیجه به ایران داده بود، «اما ایران پس از پایبندی به متن توافق چارچوب، طی هفته گذشته سه کشتی تجاری را که در آب‌های بین‌المللی در حال عبور بودند، هدف حمله قرار داد.» یکی از مقام‌های آمریکایی، هم‌چنین تأکید کرد که ایران از زمان اعلام تفاهم‌نامه اخیر، ۲۳ کشتی را هدف حمله قرار داده و این حملات به کشته شدن حدود ۱۲ ملوان شاغل در کشتی‌های تجاری منجر شده است.

این مقامات آگاه به «العربیه» گفتند ایالات متحده اکنون در حال مجازات ایران به دلیل این اقدامات است تا به تهدیدها در منطقه تنگه هرمز پایان دهد به‌صورتی که ضابط برای کشتیرانی بین‌المللی آزادانه تامین شود.

سختگوییان نظامی آمریکا تاکید می‌کنند که نیروهای تحت فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در حال نابود کردن اهداف نظامی، از جمله توانمندی‌های دفاعی و تهاجمی ایران مانند سکوها‌های پرتاب موشک و پهپادها هستند. آن‌ها همچنین تاسیسات صنایع نظامی ایران، ظرفیت انتقال تجهیزات نظامی و دیگر توانمندی‌های دریایی این کشور را هدف حملات خود قرار می‌دهند.

اما بزرگ‌ترین مسئله در دستور کار ترامپ «مرحله دوم» و اتفاقاتی است که پس از تنگه هرمز رخ می‌دهد. نشانه‌هایی وجود دارد که آمریکایی‌ها در حال انتقال تجهیزات اضافی به منطقه خاورمیانه هستند و این به رییس جمهوری آمریکا این گزینه را می‌دهد که حمله بزرگ‌تر و گسترده‌تری را علیه زیرساخت‌های ایران آغاز و رژیم ایران را تضعیف کند یا آن را به آستانه فروپاشی برساند.

ترامپ، بارها تهدید به اتخاذ این تصمیم کرده است، اما ارزیابی‌های ایالات متحده نشان نمی‌دهد که «حمله بزرگ» اجتناب‌ناپذیر است. در همین راستا، یکی از این مقام‌های آمریکایی به العربیه گفت بسیاری از تحولات به تصمیم‌های ایران بستگی دارد و افزود: «ترامپ به ایران فرصت داد تا تصمیم‌های درست بگیرد، اما آن‌ها تصمیم‌های اشتباهی گرفتند. ایران به جای خویشتنداری و استفاده از این فرصت، دست به تجاوز زد، باید منتظر بمانیم و ببینیم آنها در کام‌های بعدی چه خواهند کرد.»

آن‌چه باعث شده آمریکا و برخی مقام‌های ارشد دولت این کشور در صحبت درباره «ضربه نهایی» با احتیاط عمل کنند، ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکاست که نشان می‌دهد نیروهای این کشور تاکنون توانسته‌اند بخش مهمی از ظرفیت صنایع نظامی ایران را هدف قرار دهند، شمار زیادی از سکوها‌های پرتاب موشک و پهپاد را منهدم کنند، توان دریایی ایران را تضعیف کرده و مراکز فرماندهی و کنترل را نیز مورد حمله قرار دهند.

یکی از مقام‌های آمریکایی توانایی کنونی ایران را به فردی تشبیه کرد که کنار جاده ایستاده و به خودروهای عبوری سنگ پرتاب می‌کند؛ به گفته او، «این اقدام بدون تردید تهدیدی برای ایمنی تردد است، اما خودروها همچنان به مسیر خود ادامه می‌دهند.»

او افزود: «حملات ایران اکنون بیش‌تر اثر روانی دارد و این کشور دیگر مانند چند ماه گذشته توان انجام حملات گسترده را ندارد.» این مقام همچنین تاکید کرد که «تهران در شرایط کنونی قادر نیست تنگه هرمز را به‌طور کامل مسدود کند.»

به گفته منابع «العربیه»، شماری از مقام‌های دولت آمریکا معتقدند که رییس‌جمهوری این کشور لزوماً نیازی ندارد فراتر از مرحله کنونی حملات پیش برود و رژیم ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری در معرض ناآرامی‌های داخلی و شورش مردمی قرار دارد.

به باور این منابع، یکی از عوامل اصلی در تضعیف اقتصاد ایران و احتمال شکل‌گیری اعتراضات داخلی، محاصره دریایی آمریکا و ازسرگیری سریع اقدامات برای شناسایی و هدف قرار دادن شبکه‌های تامین مالی ایران در سراسر جهان است.

برخی از مقام‌های آمریکایی، هم‌چنین بر این باورند که رویارویی میان رژیم ایران و جامعه اجتناب‌ناپذیر است و تنها زمان وقوع آن نامشخص است. آن‌ها معتقدند ایران تا سال‌ها قادر نخواهد بود اقتصاد یا صنایع نظامی خود را بازسازی کند و چین و روسیه نیز نه تاکنون توانسته‌اند و نه در آینده خواهند توانست ایران را به شرایط چند ماه پیش بازگردانند.

به گفته این منابع، دونالد ترامپ می‌تواند برای تصمیم‌گیری صبر کند و در هفته‌ها و ماه‌های آینده هر گزینه‌ای را که مناسب بداند، انتخاب کند. یکی از مقام‌های آمریکایی در گفت‌وگو با «العربیه» گفت: «بهترین اتفاق برای ایران، منطقه و ایالات متحده این است که رژیم تهران، تفاهم با ترامپ را انتخاب کند.»



در جنوبی‌ترین بخش ایران، جایی که نفت و گاز خاورمیانه از آب‌های آن عبور می‌کند و بنادر استراتژیک کشور قرار گرفته‌اند، یک بحران چندلایه در حال شکل‌گیری است: جنگ از یک‌سو، و فروپاشی تدریجی زیرساخت‌های حیاتی و بحران انسانی از سوی دیگر.

برای میلیون‌ها ساکن استان‌های جنوبی و ساحلی خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان، تابستان امسال فقط با صدای انفجارهای ناشی از حملات ارتش ایالات متحده تعریف نمی‌شود؛ بلکه با گرمای شدید، قطع برق، کمبود آب و اختلال در زندگی روزمره نیز همراه شده است.

این استان‌ها که برای اقتصاد ایران اهمیت حیاتی دارد، اکنون به نقطه تلاقی سه بحران جهانی تبدیل شده است: تغییرات اقلیمی، بحران انرژی و درگیری ژئوپلیتیک.

این نوار ساحلی، از خوزستان تا سیستان و بلوچستان، ستون فقرات اقتصاد و تجارت دریایی ایران را تشکیل می‌دهد. خوزستان، با شهرهایی مانند اهواز، آبادان و ماهشهر، خاستگاه صنعت نفت ایران و محل استقرار بخش مهمی از تاسیسات نفت و پتروشیمی کشور است. در شرق آن، استان بوشهر قرار دارد که علاوه بر میزبانی میدان‌های عظیم گازی پارس جنوبی، نیروگاه اتمی بوشهر را نیز در خود جای داده است. هرمزگان با بندرعباس و جزیره قشم، در مجاورت تنگه هرمز، مهم‌ترین شاهراه صادرات و واردات دریایی ایران محسوب می‌شود. در شرقی‌ترین نقطه این کمربند، استان سیستان و بلوچستان قرار دارد؛ جایی که بندر چابهار، تنها بندر اقیانوسی ایران در ساحل دریای عمان، به آب‌های آزاد اقیانوس هند متصل است و نقشی کلیدی در راهبرد تجاری و ژئوپلیتیکی تهران ایفا می‌کند.

گزارش رسانه‌های ایران از حملات هوایی هشت شب گذشته نیروی هوایی ایالات متحده به مناطق جنوبی ایران حاکی از هدف قرار گرفتن نقاطی در نزدیکی و یا داخل بیش از ۱۵ شهر کوچک و بزرگ واقع در این چهار استان حکایت دارد: اهواز، آبادان، بوشهر، بندرعباس، سیریک، بمپور، چابهار، جزیره قشم، کنارک، ایرانشهر، خمیر، بندر لنگه، جاسک، کنگان، بندر دیر، ماهشهر و هندیجان.

محاسبات جمعیتی نشان می‌دهد که نزدیک به ۱۱ میلیون شهروند غیرنظامی به عنوان گروگان جغرافیایی در مناطقی زندگی می‌کنند که در هشت شب گذشته در مجاورت صوتی و جغرافیایی حملات قرار داشته‌اند.

در روزهای اخیر، گزارش‌های سازمان هواشناسی ایران که در خبرگزاری‌های رسمی مانند ایسنا و ایرنا منعکس شده، تأیید می‌کنند که دمای هوا در شهرهای جنوبی ایران همچون اهواز به ۵۰ درجه سانتیگراد رسیده است. در ایستگاه‌های ساحلی بوشهر، قشم و بندر استراتژیک چابهار، دمای مطلق کمتر است، اما رطوبت خفقتان‌آور (شرجی) دمای احساسی را به عدد هولناک ۵۵ تا ۶۰ درجه سانتیگراد رسانده است.

استان‌های جنوبی ایران، هم‌چون بخش‌های وسیعی از کشور، طی سال‌های اخیر با کاهش بارش و خشک‌سالی مواجه بوده‌اند؛ شرایطی که افزون بر تشدید گرمای هوا موجب وخامت آلودگی هوا در این مناطق شده است.

چنان که خبرگزاری ایسنا، روز یکشنبه اعلام کرد که شاخص کیفیت هوا بر اساس اندازه‌گیری ذرات معلق با اندازه ۲/۵ میکرون در ایستگاه شوش ۱۱۹ و هندیجان ۱۳۵ میکروگرم بر مترمکعب بوده بنابراین هوای این شهرهای استان خوزستان در شرایط «ناسالم برای گروه‌های حساس» و «نارنجی» بوده است. شاخص کیفیت هوا نشان می‌دهد که هوای شهر اهواز نیز در وضعیت ناسالم به سر می‌برد.

پیش از آغاز درگیری‌های نظامی نیز زیرساخت‌های آبی ایران به دلیل تغییرات اقلیمی در وضعیت اضطراری قرار داشت. چنان که هاشم امینی، رییس هیات‌مدیره شرکت مهندسی آب و فاضلاب ایران، هشدار داده بود که ۵۸ شهر در ۲۳ استان ایران مستقیماً با تنش شدید منابع آبی مواجه هستند.

مطابق گزارش‌های رسمی، ایران طی سال‌های اخیر با کمبود ۱۳ تا ۲۰ هزار مگاواتی برق به ویژه در پیک‌های مصرف مواجه بوده است. اما مدیرعامل توانیر اعلام کرده که خسارت جنگی وارد شده به شبکه و تجهیزات صنعت برق شرایط را سخت‌تر کرده است.

با گرم‌تر شدن هوا طی دو هفته اخیر، قطع برنامه‌ریزی شده برق هم‌چون سال‌های اخیر در شهرهای مختلف ایران آغاز شده است. هر چند هنوز گزارش رسمی از قطع آب مخازره نشده ولی قطع برق در جنوب داغ ایران معنای دومی هم دارد: قطع آب. سیستم‌های تصفیه، ایستگاه‌های پمپاژ محلی و آب‌شیرین‌کن‌های بزرگ صنعتی در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان برای کار به جریان پایدار برق نیاز دارند.

در چنین شرایطی، برخی رسانه‌ها از آسیب دیدن برخی تاسیسات آب‌شیرین‌کن در جنوب ایران در پی حملات هوایی آمریکا خبر داده‌اند. جنگ و گرما، چرخ‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی را در این چهار استان تقریباً از کار انداخته است. وزارت آموزش و پرورش ایران در اطلاعیه‌ای اضطراری اعلام کرد که به دلیل «استمرار شرایط ناپایدار و اختلال شدید در زیرساخت‌های انرژی»، امتحانات نهایی کشوری دانش‌آموزان پایه‌های یازدهم و دوازدهم در چهار استان خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان تا اطلاع ثانوی لغو شده است.

از سوی دیگر، اقتصاد محلی جنوب که به طور سنتی پس از غروب آفتاب و فروکش کردن گرمای روز در بازارها و اسکله‌ها رمق می‌گیرد، تحت تأثیر حملات شبانه مختل شده است. در طول روز نیز قطعی مداوم برق، کرکره مغازه‌ها و سیستم‌های بانکی را پایین می‌کشد.

رسانه‌های ایران، هم‌چنین گزارش داده‌اند که طی روزهای اخیر دست کم ۳ پل و یک تونل در استان هرمزگان در اثر حملات هوایی آمریکا آسیب دیده‌اند. گروهی از مردم جنوب ایران با انتشار پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی یادآوری می‌کنند که جنوب ایران اکنون به آزمایشگاهی دردناک برای تلاقی سه بحران بزرگ قرن تبدیل شده است: تغییرات اقلیمی، جنگ و بحران انرژی و تا زمانی که آسمان شب این مناطق صحنه پرواز جنگنده‌ها و شلیک موشک‌هاست، چرخ‌های زندگی عادی، اقتصاد محلی و حتی آینده تحصیلی دانش‌آموزان در چهار استان ساحلی کشور در وضعیت تعلیق باقی خواهد ماند. به باور آنها در این رویارویی فرسایشی، غیرنظامیان جنوب، تاوان سنگین اختلافات سیاسی داخلی برای پایان دادن به جنگ را با فقر روزافزون، قطع بیشتر آب، خاموشی گسترده‌تر برق و تنفس در هوای ناسالم‌تر ۵۰ درجه پرداخت می‌کنند.

آزاده مختاری، خبرنگار نوشته است: «می‌دانید دردمان یکی نیست! جنوب #ایران همانجایی است که سال‌ها از فقرش گفتیم و کسی نشنید. همانجا که از دهه ۷۰، میلیون‌ها نخلش خشک شد و کسی کاری نکرد. امروز هم موشک‌ها راه #جنوب را پیدا کردند. هموطن من آنجا، میان آتش و خاکستر، هم از درون زخم می‌خورد و هم از بیرون و آرام‌آرام می‌سوزد!»

کاربر دیگری نگرانی‌اش را این‌طور بیان کرده است: «من واقعا نمی‌دونم باید چه کنم. می‌ترسم جنوب از دست بره و این خیلی باعث وحشتم می‌شه. همه زندگیم اون جاست، هویتم رو اون‌جا می‌سازه. واقعا باید چه کنم؟ با استیصال به دوستم پیغام می‌دم ممکنه جنوب اشغال بشه؟ اشغالش کنه، بعد برش می‌گردونه؟» و دیگری گفته است: «پل‌های اطراف بندرعباس رو زدن اما به نظرم احتمال حضور نیروی نظامی در بندرعباس احتمالش خیلی کمه ورود نیروی نظامی در جزایر، جاسک و سیریک بیش‌تره.»

برخی دیگر نگاه کلی به جنگ‌های اخیر دارند: «جمهوری اسلامی ما رو در دوراهی بسیار تلخی قرار داده؛ یا خودش بکشه و مملکت رو نابود کنه، یا شرایطی فراهم کنه از بیرون این اتفاق بیفته. برای حالت اول هیچ کورسوی امیدی نیست و حالت دوم ممکنه به یه نتایجی برسه.»

موضوع آب شیرین‌کن‌ها که در هر دو طرف جنگ مورد حمله قرار می‌گیرند برای کاربران ایجاد نگرانی‌هایی کرده است: «۱۰ هزار نفر در جاسک، یکی از گرم‌ترین و شرجی‌ترین مناطق جهان، آب شیرینشون رو از دست دادن. آخوند هم حمله متقابل کرده و بخشی از مردم بی‌گناه کویت رو از آب محروم کرده. این به نفع کیه الان؟»

بر اساس گزارش‌ها و به نقل از مقامات ایران، در حملات آمریکا ایستگاه پمپاژ برداشت آب خام از دریا و همچنین ترانس برق مربوط به آب‌شیرین‌کن بونجی با ظرفیت تولید ۳۱۵۰ مترمکعب در شبانه‌روز به‌طور کامل تخریب شده است. در حال حاضر برای تامین نیاز اولیه ساکنان، هشت تانکر در حال انتقال آب به این روستاها هستند.

در همین خصوص کاربر دیگری نوشته است: «اون روستاهای اطراف جاسک که آب شیرین کنشون منهدم شده همون روستاهایی هستن که هر سال سیل میاد و براشون تن ماهی و نوار بهداشتی می‌فرستین. همونجایی که یکسری بچه کشش پاشون نیست و کف پاشون مثل زانوی شتره.» کاربر دیگری هم در شبکه ایکس نوشت: «با اطلاع می‌گم کشور از لحاظ بچه‌های فنی مهندسی که سرین پل‌های آسیب‌دیده رو بازسازی کنند چیزی کم نداره... مسئله اینه پدافند نداریم... بسازیم هم زرتی میاد میزنه میره.»

در همین حال، کویت اعلام کرد که یکی از نیروگاه‌های تولید برق و همچنین تاسیسات شیرین‌سازی آب این کشور در حملات ایران هدف قرار گرفته و چندین واحد تولید برق از مدار خارج شده است. کویت برای تامین ۹۰ درصد از آب آشامیدنی خود به آب شیرین‌کن وابسته است. کویت همچنین اعلام کرد که فعالیت فرودگاه بین‌المللی کویت به دلیل تهدیدهای مکرر موشکی و پهپادی به حالت تعلیق درآمده است.



نتیجه‌گیری

در این روزهای هولناک، قیمت دلار آمریکا در ایران بار دیگر افزایش یافت. سایت‌های اعلام ارز و کانال‌های تلگرامی گزارش داده‌اند که قیمت هر دلار آمریکا به بیش از ۱۹۵ هزار تومان رسیده است. افزایش قیمت دلار، بلافاصله بر زیست و زندگی شهروندان ایران تاثیر می‌گذارد. چرا که بلافاصله قیمت کالاهای ضروری مردم در بازار افزایش می‌یابد و باز هم لیست خرید آشپزخانه آن‌ها محدود و محدودتر می‌گردد؛ کودکان دچار سوءتغذیه می‌شوند؛ زنان باردار در معرض خطر قرار می‌گیرند؛ با افزایش قیمت دارو و درمان و کمبود برخی از داروها، زندگی بیماران در معرض خطر قرار می‌گیرد؛ دستمزد کارگران و کارمندان به موقع پرداخت نمی‌گردد و به دلیل تعطیلی و عدم توان تولید بسیاری از کارگاه‌ها و صنایع، کارگران آن‌ها، بدون بیمه و بیکاری در جامعه رها می‌شوند؛ وضع بازنشستگان بحرانی و وخیم‌تر می‌گردد و...

این دور از حملات شدیدترین درگیری میان دو طرف از زمان امضای تفاهم‌نامه آمریکا و جمهوری اسلامی در ماه خرداد به شمار می‌رود. آمریکا همچنین محاصره نظامی بنادر ایران را دوباره برقرار کرده و حملات هوایی خود را به طیف گسترده‌تری از اهداف در داخل کشور گسترش داده است.

آمریکا و جمهوری اسلامی حتی در دوره آتش‌بس نیز حملات محدودی علیه یکدیگر انجام می‌دادند. نیروهای آمریکایی مواضع نظامی در امتداد سواحل ایران را هدف قرار می‌دادند و جمهوری اسلامی نیز به پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس و کشتی‌های تجاری حمله می‌کرد. اما اکنون این حملات آمریکا علیه ایران و همچنین حملات سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به کشورهای عربی منطقه، روزانه صورت می‌گیرد.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۵، پیام مکتوبی را که به مجتبی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، نسبت داده شده منتشر کرد. او در این پیام با اشاره به نقض تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا، مدعی شد این اقدام بار دیگر «بی‌ارزشی و نامعتبر بودن امضای رئیس‌جمهور آمریکا» را نشان داده است.

در این پیام آمده است: «نقض عهدهای مکرر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس‌جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگویی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزای لاینفک مرام و مسلک آمریکایی می‌باشد.»

مجتبی خامنه‌ای، هم‌چنین آمریکا را به «جنگ‌افروزی» متهم کرد و نوشت: «اکنون که دشمن آمریکایی به دنبال جنگ‌افروزی و تحمل هزینه‌های سنگین‌تر و بی‌آبرویی بیش‌تر است، بداند که ملت عزیز ایران و جبهه مقاومت، درس‌های فراموش‌نشده‌ی برای او دارد.»

مجتبی خامنه‌ای از زمان آغاز حملات آمریکا و اسرائیل در اسفند سال گذشته تاکنون در انتظار عمومی دیده نشده و هیچ تصویر یا ویدیوی تازه‌ای از او منتشر نشده است. تمامی پیام‌های منتسب به او در این مدت به صورت مکتوب منتشر شده‌اند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، نیز هفته گذشته در یک مصاحبه مدعی شد که مجتبی خامنه‌ای «۹۰ درصد از بین رفته است.»

حمله نظامی احتمالی علیه ایران می‌تواند شامل چند سطح مختلف باشد که به اهداف دولت آمریکا و نوع رویارویی (گسترده یا محدود) بستگی دارد. در این رابطه می‌توان سناریوهای مختلفی را پیش‌بینی کرد. از جمله:

حمله‌ای گسترده به ساختار نظامی ایران از جمله مقرهای کنترل و فرماندهی، پایگاه‌ها و فرماندهان ارشد انجام می‌شود. تحولات احتمالی بعدی از جمله «عقب‌نشینی جمهوری اسلامی» باشد.

با این حال، این سناریو با موانع جدی از جمله پراکندگی جغرافیایی پایگاه‌های سپاه و بسیج روبه‌رو است که موفقیت کامل حملات را دشوار می‌کند. افزون بر آن، تجربه نشان داده که جمهوری اسلامی، توانایی نسبتاً بالایی در جایگزینی فرماندهان کشته شده دارد. این امر امکان بازسازی سریع ساختار نظامی را فراهم می‌کند.

سناریوی دوم؛ احتمال بازگشت طرفین به سر میز مذاکره است. اما این حملات سنگین و مرگبار می‌تواند آتش‌بس و مذاکره مجدد را شکننده‌تر از قبلی کند. یعنی باز هم تمرکز بر حذف هسته رهبری سیاسی، رهبر جدید جمهوری اسلامی و حلقه اصلی مقامات نزدیک به او است. اگر مجتبی خامنه‌ای زنده باشد حذف او می‌تواند به‌طور کلی ساختار جمهوری اسلامی، به‌ویژه نهادهای نظامی تحت رهبری او را بیش از پیش تضعیف کند. در این سناریو احتمال دارد آمریکا باز هم اسرائیل را به ادامه این جنگ خود ملحق کند. آن‌موقع ابعاد کشتار و ویرانی، غیرقابل تصور خواهد شد.

سناریوی سوم؛ می‌تواند ترکیبی از دو سناریوی بالا باشد و شامل هدف قرار دادن هم‌زمان رهبری سیاسی-نظامی و پایگاه‌های نظامی مرتبط با سپاه و بسیج و ارتش شود تا توانایی واکنش نظامی حکومت و قدرت‌ش را هرچه بیش‌تر تضعیف کند.

سناریو چهارم، احتمال دارد آمریکا به فکر راه‌انداختن درگیری‌ها و جنگ داخلی توسط برخی نیروهای داخلی ایران باشد که چنین احتمالی در کردستان ایران، بیش از سایر نقاط ایران است. چرا که متأسفانه در این منطقه، سازمان‌ها و احزابی هستند که حاضرند به پیاده‌نظام آمریکا و اسرائیل تبدیل شوند.

این چهار سناریو همگی بر این فرض استوارند که دولت آمریکا قصد ورود به «رویارویی گسترده» با جمهوری اسلامی ایران را دارد یا دست‌کم به دنبال تغییر اساسی در ساختار حکومت و وادار کردن آن به تغییر بنیادین رفتار است. با توجه به تحولات اخیر و شروط اعلام شده از سوی ترامپ از جمله «توقف کامل غنی‌سازی، توقف حمایت از گروه‌های نیابتی، محدودکردن برد موشک‌ها به کم‌تر از ۵۰۰ کیلومتر، به رسمیت شناختن اسرائیل، و انجام مذاکرات مستقیم با رهبر ایران یا نماینده او» احتمال رویارویی گسترده میان دو طرف تقویت شده است. شروط مذکور تاکنون از سوی رهبر جمهوری اسلامی رد شده است.

نگرانی اصلی دولت آمریکا، آن است که هرگونه ضربه نظامی به جمهوری اسلامی ایران، بدون برنامه سیاسی روشن برای مدیریت خلاء قدرت و مدیریت فروپاشی فراگیر نهادی، می‌تواند ایران را به صحنه‌ای غیرقابل مدیریت و دل‌خواه آمریکا هدایت کند. چرا که تلاش‌های تانکونی پروژه رهبرسازی و بسیج نیروهای راست و فاشیست ایرانی اسرائیل و محافل آمریکایی و اروپایی در خارج، و نبود پایگاه اجتماعی قدرتمند آن‌ها در داخل کشور، هنوز نتیجه مطلب آن‌ها نداده است. به خصوص آمریکا و اسرائیل و سایر گرایش‌های راست غربی، به شدت نگران قدرت‌گیری جنبش‌های اجتماعی-سیاسی سراسری آزادی‌خواه و برابری‌طلب؛ و در راس همه جنبش کارگری و گرایش‌های چپ هستند و به همین دلیل، دست به عصا حرکت می‌کنند.

یک‌شنبه بیست و نهم تیر ۱۴۰۵-نوزدهم یولی ۲۰۲۶